

دیپلماسی رسانه

داستان سیاستمداران و رسانه‌ها در دنیا ماجرای غریبی است...



داستان سیاستمداران و رسانه‌ها در دنیا ماجرای غریبی است کمتر سیاستمداری را در دنیا می‌توان یافت که با کمک رسانه قدرت را در دست نگرفته باشد و یا برعکس، بسیاری هم توسط همین رسانه، عمر سیاسی‌شان به پایان رسیده است.

سیاستمداران و دولت‌ها در مواجهه با رسانه‌ها 2 دسته‌اند؛ برخی باهوشند و با رسانه‌ها تعامل می‌کنند تا اخباری را که دوست دارند مردم بخوانند و برخی دیگر به جنگ خبر می‌روند تا شاید بتوانند آن را ساکت کنند. خبر آگاهی می‌آورد و همین آگاهی است که عرصه را بر سیاستمداران تنگ می‌کند.

اگر نومحافظه‌کاران توانستند 11 سپتامبر را در یک چشم بر هم زدن به مشکل همه جهان و نه فقط آمریکا تبدیل کنند، نه ناشی از قدرت نظامی آمریکا، بلکه مرهون توان رسانه‌هایی همچون سی ان ان، فاکس نیوز و نیویورک تایمز بود.

سی ان ان بود که جنگ عراق (با اشاره به جنگ اول خلیج فارس، که در آن نیروهای آمریکایی به بهانه حمله صدام به کویت تا آستانه فتح بغداد پیش رفتند اما ملاحظات دیپلماتیک مانع از پایان دادن به این عملیات شد) را، حتی پیش از آنکه جایی در سخنان ضدونقیض کالین پاول و کاندولیزا رایس بیابد یا عامل درگیری‌های لفظی بغداد - واشنگتن و خط و نشان کشیدن‌های بوش شود، «جنگ ناتمام» نام نهاد.

جنگ دوم با عراق (که منجر به سقوط صدام شد) با همین زمینه‌سازی‌ها شروع شد. اقناع مردم آمریکا به جنگی دیگر - همزمان با افغانستان - کار سیاستمداران نبود، هنری دیگر از رسانه‌ها بود.

اگر جرج بوش و نومحافظه‌کاران یک‌ساله را در تدارک جنگ عراق و حمله به دیکتاتور صدام حسین صبر کردند، نه از هوش و ذکاوت صدام در خرید زمان، بلکه ناشی از خبر بود. خبر بود که به‌عنوان مانعی بر سر راه نومحافظه‌کاران و کالین پاول (وزیر خارجه وقت آمریکا)، آنها را مجبور کرد در راهروهای سازمان ملل و شورای امنیت به‌دنبال قانونی کردن این حمله باشند.

سیاستمداران همیشه به تعامل با رسانه اقبال ندارند که گاهی همانگونه که گفته شد به جنگ با آن هم می‌روند.

همین چند روز پیش بود که در ونزوئلا، حامیان رئیس‌جمهور این کشور به دفتر تلویزیون‌های خصوصی تاختند و به بهانه‌ای راه را بر آگاهی دهی به مردم بستند و دولت هم قانونی را از تصویب گذراند تا راحت‌تر بتواند با روزنامه نگاران مخالف، برخورد کرد. این حرکت مبین این شعار است؛ صدایی مجاز است که صدای دولت باشد وگرنه باید ساکتش کرد.

34 شبکه رادیویی هم بر همین اساس مجوزشان لغو شد. براساس قانون جدید ونزوئلا، هر خبری که مضر تشخیص داده شود خبرنگارش را می‌توان تا 4 سال به زندان انداخت. حال اینکه خبر نادرست و مضر چیست، لابد خبری که چندان دولتمردش را خوش نیاید.

در چین همین چند وقت پیش بزرگ‌ترین نسل کشی تاریخ این کشور در ارتباط با اقلیت مسلمان در استان سین کیانگ به وقوع پیوست. دولت کمونیست این کشور برای برخورد با مسلمانان، ابتدا اینترنت را عامل تحریک اقلیت اویغور معرفی کرد و به همین بهانه راه تعامل رسانه‌ای مسلمانان این منطقه و به عبارتی راه انتشار هرگونه خبری در این باره را بست تا جهانیان ندانند که اویغورها کیستند و چه می‌خواهند.

در چند هفته‌ای که دولت چین صدها مسلمان را کشت و بازداشت کرد، هیچ خبرنگاری اجازه حضور در منطقه درگیری را نداشت، خبر می‌آمد، اما نه خبری که خبرنگاران مستقل مخابره‌اش کرده باشند. مسلمانان ترک تبار اویغور را رسانه‌های چین در داخل و خارج از کشور به القاعده و طالبان منتسب کردند تا مجوز اخلاقی کشتار آنان را فراهم کنند.

در کشورهای توسعه یافته دولت‌ها در مواجهه با رسانه سیاست تعامل - و نه برخورد - را در پیش می‌گیرند چه آنکه می‌دانند این تعامل علاوه بر اینکه ضامن تداوم حیات رسانه و در جهت خدمت به افکار عمومی است بلکه منافع خود دولت‌ها را نیز تامین می‌کند.

ناگفته نماند که در آزادترین کشورهای دنیا هم خطوط قرمزی به نام منافع ملی است که چارچوب کلی حرکت رسانه را تعیین می‌کند.

روزنامه نگاری و فعالیت رسانه‌ای در تمام دنیا به مثابه راه رفتن در میدان مین است. در خیلی از کشورها - به‌خصوص کشورهای توسعه‌یافته - نقشه میدان مین را در اختیار خبرنگار قرار می‌دهند و وی نیز خود را ملزم می‌داند پا روی مین نگذارد. به جز برخی حوزه‌های خاص، حرکت در سایر حوزه‌ها چندان منعی ندارد.

در بسیاری از کشورها - به جز مثال‌های گفته شده، برخی دیگر همچون روسیه، میانمار، پاکستان، ترکمنستان، ازبکستان و

تاجیکستان را هم به این فهرست اضافه کنید- هم منافع ملی در حد منافع احزاب و اشخاص سقوط کرده است و هر دولت و دولتمردی به فراخور منافع خود خط قرمزی را تعیین می‌کند و از همین روست که بیشترین کشتار روزنامه نگاران هم در همین کشورها به وقوع می‌پیوندد.

از همین روست که امروز، در قرن بیست و یکم که بشر در اندیشه فتح کهکشان هر روز گامی رو به جلو برمی‌دارد، دغدغه رسانه‌ها، در تمام دنیا، علاوه بر آگاهی دادن به مردم، جلب اعتماد و برقراری تعامل با سیاستمداران و دولتمردان در جهت حفظ حیات‌شان است. و همین رویکرد است که امروز دیپلماسی رسانه در جهان را شکل می‌دهد.

احسان تقدسی

همشهری آنلاین